خط زرد

توصیه های پلیس درباره هیئت های مذهبی

- ورود هر گونه وسایل نقلیه به داخل دستجات ممنوع است.
- تحویل و توزیع موادغذایی (نذورات) از افراد ناشناس و همچنین توزیع آن با خودرو در معابر اصلی به ویژه تقاطع ها و میادین ممنوع است و از توزیع نذورات در ایستگاه های به ظاهر صلواتی و فاقد مجوز جلوگیری به عمل می آید. چنان چه فرد و افرادی قصد توزیع نذورات دارند، موظف به اخذ مجوز از طریق فرمانداری محترم یا اداره تبلیغات اسلامی هستند.
- از پارک وسایل نقلیه به صورت دوبل در جلوی مساجد و تکایا و محل عزاداری جدا خودداری کنید.
- حساسیت سیستم دزدگیر الکترونیکی خود را تنظیم کنید.
- به منظور رعایت حقوق شهروندان محترم، زمان تعیین شده برای انجام عزاداری را محترم بشمارید.
- برای تعویض و تمدید یا صدور مجوز فعالیت از طریق سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان اقدام کنید.
- استفاده نکردن از آلات موسیقی غیرمعمول در عزاداری از قبیل ارگ، پیانو، فلوت و ... الزامی است.
- یادآوری ممنوعیت قمه زنی در هیئت های مذهبی و... مورد تاکید است.
- اجتناب از مسائل تفرقه انگیز فرقه ای، قومی و قبیله ای و توجه به وجوه مشترک و تلاش در جهت ایجاد انسجام بین اعضای هیئت ها مورد تاکید است.
- استفاده نکردن از تصاویر و شمایل چهره های حماسه آفرینان عاشورا و ائمه اطهار(ع)، زیرا هیچ گونه سند تاریخی وجود ندارد.
- در صورت مشاهده بسته یا شیء مشکوک یا اشخاص مظنون، به سرعت با تلفن ۱۱۰ تماس بگیرید و از دستکاری و جابه جایی اشیای مشکوک جدا پرهیز کنید.
- از برپایی چادر و تکیه در معابر اصلی و پیاده روها که برای رهگذران ایجاد مزاحمت می کند و باعث مشکلات ترافیکی می شود، جدا خودداری کنید.
- قبل از حرکت دستجات در خیابان ها به منظور جلوگیری از راهبندان و مشکلات بعدی حتما برنامه هیئت ها و مسیرهای حرکت به فرماندهی انتظامی شهرستان اعلام شود.
- همکاری لازم را با ماموران نیروی انتظامی برای روان سازی ترافیک داشته باشید.

سرهنگ بوستانی
رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ازمیان خبرها

شبکه عرفان های نوظهور در سیرجان متلاشی شد

توکلی- یکی از شبکه‌های عرفان های نوظهور که در چندین استان کشور فعالیت می کرد درسیرجان متلاشی شد.
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان سیرجان از دستگیری وبازداشت تعدادی از افراد اصلی این شبکه خبرداد.
به گزارش خبرنگار ما، قاضی "محسن نیک ورز" افزود: دادستانی سیرجان با همکاری سازمان اطلاعات سپاه استان کرمان طی ماه‌ها فعالیت پیچیده اطلاعاتی ضمن کشف و رصد دقیق، یکی از شبکه‌های عرفان های نوظهور را که در چندین استان کشور فعالیت می کردند با اقدام عملیاتی هدف حمله قرار دادند و چهار نفر از عوامل اصلی را دستگیر وبازداشت کردند.
این مقام قضایی با بیان این که تعدادی نیز به دادسرای سیرجان احضار شدند، تصریح کرد: در خصوص آگاه‌سازی و روشنگری درباره این عرفان‌های کاذب تعدادزیادی از افراد فریب خورده دعوت و ارشاد شدند.
وی خاطرنشان کرد: شکل کار این گروه ظاهری موجه و مذهبی داشت و مربیان این گروه، اعتقادات تشکیلاتی خود را به تدریج و به شیوه ای آرام به اعضا تفهیم و القا می کردند و طی فرایند طولانی مدت به اهداف خود می رسیدند.
این مقام قضایی از صدور کیفر خواست برای اعضای اصلی این شبکه به جرم توهین به مقدسات، کلاهبرداری و .... خبرداد.

(آگهی مزایده)
هتل کیمیا واقع در بلوار نامجو روبروی نامجو ۷ در نظر دارد تالارها، رستوران و آشپزخانه خود را با کلیه تجهیزات و امکانات به مدت یکسال از تاریخ ۹۸/۷/۱ بصورت اجاره واگذار نماید لذا از کلیه دارندگان مجوز فعالیت رسمی بدون هیچگونه محدودیتی دعوت به عمل می آید تا در تاریخ ۹۸/۰۶/۷ تا ۹۸/۰۶/۱۲ جهت بازدید از امکانات و دریافت شرایط هتل در ساعات اداری به امور مالی هتل مراجعه نمایند. ضمنا تاریخ بازگشایی پیشنهادات مورخه ۹۸/۶/۱۵ می باشد شماره تماس ۶-۳۸۴۵۳۳۰۰

گفت‌وگو با سرکرده شبکه «گربه‌های وحشی» که چند ساعت قبل از ازدواجش دستگیر شد

گوشی قاپی‌های خونبار!

اختصاصی خراسان

سجادپور- با متلاشی شدن شبکه مخوف معروف به «گربه‌های وحشی» در مشهد راز یک فقره قتل و زورگیری‌های خشن توام با ضرب و جرح‌های هولناک فاش شد. پرونده «گربه‌های وحشی» از اول مرداد گذشته، زمانی در دستور کار پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت که سه جوان موتورسوار با حرکت در جهت خلاف حرکت خودروها وارد خیابان امامیه ۸۱ در منطقه قاسم آباد شدند. آنان که به دنبال طعمه‌ای برای زورگیری می گشتند با دیدن دو جوان ۲۱ و ۲۲ ساله که روی نیمکت پارک خطی نشسته بودند به سوی آن‌ها حرکت کردند. جوان ۲۲ ساله با مشاهده رفتارهای خطرناک موتورسواران، پا به فرار گذاشت، اما دوست ۲۱ ساله او که «امیر اسدی» نام داشت به دام زورگیران خشن افتاد. سه جوان موتورسوار بی‌رحمانه قمه‌ای را بیرون کشیدند و به قصد گوشی قاپی به جوان ۲۱ ساله حمله‌ور شدند. یکی از زورگیران با بی‌رحمی قمه را بالا برد و ضربه‌ای به شاهرگ گردن امیر وارد آورد و سپس با ضربه‌های پیاپی دیگر او را نقش بر زمین کرد، اما امیر گوشی خود را به دزدان سنگدل نداد و آن‌ها با رها کردن طعمه زخمی خود از محل گریختند! تا این که جوان مذکور بعد از انتقال به بیمارستان طالقانی جان سپرد. به دنبال وقوع این حادثه تلخ، سردار محمد کاظم تقوی (فرمانده انتظامی خراسان رضوی) دستورات ویژه‌ای را برای شناسایی اعضای باند زورگیری صادر کرد که «گربه‌های وحشی» لقب گرفتند. در این عملیات هماهنگ تعدادزیادی از اعضای این شبکه مخوف زورگیری دستگیر شدند و به جرایم هولناکی اعتراف کردند. آن چه می خوانید گفت‌وگوی اختصاصی خراسان با سرکرده این شبکه ترسناک سرقت است که ابتدا طعمه‌های خود را با ضربات هولناک قمه مجروح می کردند و سپس گوشی‌های تلفن را می‌ربودند!

مقتول امیر اسدی

سرکرده شبکه گربه‌های وحشی هنگام تشریح صحنه جنایت در حضور قاضی میرزایی

عکس اختصاصی از خراسان

خودت را معرفی کن! «امیرحسین- الف» هستم.
محصلی؟ نه! در کلاس سوم راهنمایی ترک تحصیل کردم.
چرا؟ اهل دعوا بودم و به درس علاقه ای نداشتم!
سابقه داری؟ بله! به خاطر نزاع مدتی را در کانون اصلاح و تربیت بودم!
انگیزه نزاع چه بود؟ هیچی یک کل کل ساده! برادرم با دوستش بگومگو کرده بود که من هم به طرفداری از او وارد درگیری شدم و آن نوجوان را زیر مشت و لگد گرفتم که خیلی زخمی شد.
چاقو هم داشتی؟ نه! آن روز چاقو نداشتم!
این نزاع چه زمانی رخ داد؟ حدود ۱/۵ سال قبل تقریبا ۱۷ ساله بودم!
اهل کجایی؟ مشهدی هستم و در نجف ۸ زندگی می کنیم!
منظورت کوچه معروف به «غربت ها» است؟ بله!
چرا در آن منطقه خلاف زیاد است به طوری که کسی جرئت عبور از آن جا را ندارد؟ نمی دانم! ولی خوب به محله ترسناکی معروف شده است!
بعد از ترک تحصیل چه کردی؟ پول نداشتم! به دنبال درآمد بودم به همین دلیل کارگری کردم!
پدرت چه کاره است؟ او گچ کار ساختمان است که من هم ابتدا با پدرم کار می کردم.
خانواده‌ات چند نفر هستند؟ ۹ نفر! ۴ برادر و ۳ خواهر دارم.
همه ازدواج کرده اند؟ نه! یک خواهر کوچک‌تر از خودم دارم که مجرد است.
اگر کسی از خواهر خودت این گونه زورگیری می کرد چه عکس العملی داشتی؟ هیچی! من هم او را اعدام می کردم اما تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است!
اولین بار چگونه باند زورگیری تشکیل دادی؟ جشن تولد یکی از دوستانم بود در پارک منطقه نوده نشسته بودیم که جواد (یکی از اعضای اصلی شبکه) آمد و گفت: برای انجام عمل جراحی پدرم پول لازم دارم! او گریه کرد و گفت بیا برویم سرقت کنیم! دو نفری سراغ محمد (عضو دیگر شبکه) رفتیم و این گونه باند ما شکل گرفت.
چرا سراغ محمد رفتید؟ چون او موتورسیکلت داشت.
تا به حال چند گوشی فروخته ای؟ ۱۸ گوشی به مالخر داده ام!
شبی چند سرقت انجام می دادید؟ بستگی به موقعیت داشت گاهی ۴ یا ۵ بار
چرا اول چاقو می زدی؟ می خواستم بترسند! تا خودشان گوشی تلفن را بدهند!
معتادی؟ قرص زیاد می خورم! مثلا شبی که قتل رخ داد ۸ عدد کلونازپام و ۴ عدد ترامادول خورده بودم!
کلونازپام که خواب آور است؟ یعنی خواب‌آلود چاقو می زدی؟ نه! می خواستم جرئت پیدا کنم! بعد هم من شب‌ها قرص می خورم!
گوشی‌ها را چند می فروختید؟ ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان!
نوع گوشی فرقی نمی کرد؟ مالخران چون می دانستند گوشی ها سرقتی است پولی به ما نمی دادند ما هم ۲۰۰ هزار تومان را بین خودمان تقسیم می کردیم که به هر کدام ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان می‌رسید.
تا به حال چند نفر را با قمه مجروح کرده‌ای؟ حدود ۶ نفر از آن ها تا به حال در پلیس آگاهی مرا شناسایی کرده اند! که من هم آن ها را شناختم!
اگر چاقو نمی زدی امکان زورگیری نبود؟ احتمال داشت با من درگیر شوند یا فریاد بزنند و مردم مرا دستگیر کنند. از ترس آن ها را با چاقو می زدم که زودتر گوشی تلفن را به من بدهند! از طرف دیگر هم وحشتی در محل ایجاد می شد که کسی دیگر مرا تعقیب نمی کرد چون از جان خودش می ترسید!
وقتی چاقو می زدی، چه حسی داشتی؟ فقط غرور جوانی و پز دادن نزد دیگر دوستانم!
عاشق شدی؟ بله! پارسال عاشق دختری شدم که در محل ما زندگی می کرد.
خوب عاقبت این عشق چه شد؟ او مدرسه می رفت که در مسیر مدرسه اش نگاهمان با یکدیگر گره خورد! رفتم به مادرم گفتم که مخالفت کرد و گفت: تو هنوز بچه هستی! ولی اصرار کردم که شاید عروس شود!
بالاخره موافقت کرد و با خانواده آن ها قرار گذاشت! خواستگاری انجام شد قرار بود پنج شنبه ساعت ۶ بعدازظهر برویم و مراسم عقد کنان را برگزار کنیم که صبح زود در محاصره کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفتم و سرنوشتم به این جا رسید.
می دانستی یکی از طعمه هایت با ضربات قمه تو جان باخته است؟ اول نفهمیدم که او مرحوم شده! چرا که بعد از این ماجرا هم زورگیری های دیگری انجام داده بودم ولی بعد از چند روز متوجه شدم.
دختری را که از دواجش ناموفق ماند بعد از دستگیری ملاقات کردی؟
بله! با مادرش به ملاقاتم آمدند!
چه گفت؟ گریه می کرد! می گفت، بدبختم کردی! چرا این گونه سرنوشت مرا به بازی گرفتی؟
توچه گفتی؟ چیزی برای گفتن نداشتم! من یک زورگیر بودم! فقط گفتم مرا حلال کن! می خواستم بعد از ازدواج سرکار بروم و دیگر زورگیری نکنم اما متاسفانه دستگیر شدم!
فکر می کنی پول‌های سرقتی گوشی ارزش این روزها را داشت؟ به خدا امروز می فهمم که حتی اگر میلیاردمیلیارد زاره سرقت به دست بیاوری ارزش ندارد و آخر دستگیر می شوی!
به دیگر دوستانت که هنوز دستگیر نشده اند چه می گویی؟ اگر هفته ای ۱۰۰ هزار تومان درآمد حلال داشته باشند بهتر است تا این گونه هر شب با کابوس اعدام وحشت زده از خواب بپرند!
چاقو همیشه همراهت بود؟ آن را به قصد ترساندن طعمه‌ها برمی داشتم!
ماجرای «سامان خله!» چه بود؟ این جمله را الکی بر زبان می راندم تا کسی که قصد زورگیری از او را داشتیم به این بهانه بایستد.
پشیمانی! خیلی! قصد قتل نداشتم ولی...
اما تو شهروندان زیادی را با چاقو زدی؟ چه بگویم!

در امتداد تاریکی

دختر پولدار

مادرم فکر می کرد اگر من با دختر خانواده ای ثروتمند ازدواج کنم سرنوشتم تغییر می کند و از این فقر و تنگدستی رها می شویم اما هیچ گاه به عاقبت این تفاوت اقتصادی و فرهنگی فکر نکردم به همین دلیل در برابر دروغ گویی های مادرم در شب خواستگاری سکوت کردم تا این که...
مرد ۳۸ ساله ای که در پی شکایت همسرش مبنی بر نپرداختن نفقه و درخواست طلاق به کلانتری احضار شده بود درباره ماجرای ازدواجش با یک دختر پولدار به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت:
مادرم زن سوم پدرم بود که برای تامین هزینه های زندگی اش در منازل خانواده های پولدار کارگری می کرد من هم که آخرین فرزند پدرم بودم با سختی و بدبختی و تلاش های شبانه روزی مادرم بالاخره دیپلم گرفتم و خدمت سربازی ام را به پایان رساندم. مادرم دوست داشت برای رهایی از این وضعیت تنگدستی با دختری ازدواج کنم که او کلفت منزلشان بود. آن ها خانواده ثروتمندی بودند که به ما به چشم نوکر و خدمتکار می نگریستند.
به همین دلیل مادرم مرا نزد آن ها کارمند ارشد یک شرکت بزرگ معرفی کرده بود در حالی که من بیکار بودم و گاهی سرگذر برای امور ساختمانی یا خدماتی می رفتم خلاصه مادرم دختر آن خانواده را در حالی با سماجت هایش برایم خواستگاری کرد که من در برابر دروغ ها و غلوهای بزرگ او سکوت کردم. تا این که بالاخره آن خانواده با همه مخالفت هایشان راضی به این ازدواج شدند اما چند ماه بعد از برگزاری مراسم عقد کنان وقتی فهمیدند که پدرم چند زن دارد و من هم جوانی بیکار و علاف هستم به شدت عصبانی شدند در عین حال آن ها به خاطر این که خانواده سرشناسی بودند برای حفظ آبرو و اعتبارشان یک سال به من فرصت دادند در یک شرکت کاری پیدا کنم. خلاصه با سفارش های پدرزنم و دوستانش در یک شرکت خصوصی مشغول کار شدم و این گونه زندگی مشترک من و «ماندانا» آغاز شد. اوضاع زندگی ام تا حدود سه سال بسیار خوب بود و خانواده همسرم به خاطر آبروی خودشان از من حمایت می کردند تا این که روزی سوار بر موتورسیکلت زنی بدحجاب و آرایش کرده را در خیابان دیدم و به قصد چشم چرانی و برقراری رابطه خیابانی در کنارش قرار گرفتم اما در همین هنگام ناگهان با یک دستگاه کامیون تصادف کردم و نقش بر زمین شدم در حالی که دست و پایم شکسته بود یک ماه در بیمارستان بستری شدم. وقتی از بیمارستان به خانه رفتم و دوران نقاهت را می گذراندم پدر و مادرم برای کاهش دردهایم به من مواد مخدر سنتی از نوع شیره و تریاک می دادند به همین دلیل وابستگی شدیدی به مواد مخدر پیدا کردم اما در عین حال چند ماه بعد دوباره به سرکار بازگشتم تا این که روزی رئیس شرکت تصمیم به تعدیل نیرو گرفت که نام من هم جزو کارگران اخراجی بود. از آن روز به بعد اختلافات خانوادگی ما شدت گرفت ولی باز هم با پول دیه تصادف، خودرویی برای مسافرکشی خریدم تا روزگارم را بگذرانم. از سوی دیگر نیز با کمک پدرزنم و فروش طلاهای همسرم منزلی ساختم تا زندگی خوبی برای همسر و دو فرزندم فراهم کنم ولی بیشتر درآمدم صرف هزینه های اعتیادم می شد و نمی توانستم خواسته ها و نیازهای همسرم را برآورده کنم چرا که او در خانه پدرش از هر نوع امکانات رفاهی و تفریحی برخوردار بود به همین دلیل همواره مرا سرزنش و تحقیر می کرد. من هم که از این حقارت ها عصبانی می شدم او را کتک می زدم که باز پدر و برادرش سراغم می آمدند و مرا زیر مشت و لگد می گرفتند من هم از ترس ماجرای اعتیادم همواره سکوت می کردم. تا این که بالاخره دو سال قبل تصمیم به ترک اعتیاد گرفتم تا حداقل به خاطر اعتیادم تحقیر نشوم ولی رفتار همسرم تغییر نکرد و در کوچه و خیابان مرا مورد توهین و فحاشی قرار می داد. او حتی به دختر و پسرم یاد داده است که به من بی احترامی کنند چرا که از یک خانواده فقیر هستم و درآمدی ندارم. گاهی به دلیل فرار از درگیری و مشاجره شب ها را داخل خودرو می خوابم و گاهی خانواده ام را برای تفریح به منطقه طرقبه و شاندیز می برم با وجود این درآمدم کفاف مخارج زندگی را نمی دهد و نمی توانم هزینه های همسرم را تامین کنم، در همین حال ماندانا درخواست طلاق داده و مدعی است که مخارج زندگی اش را نمی پردازم ولی من نمی خواهم فرزندانم مانند من روزگارشان سیاه شود و سایه پدر و مادر بالای سرشان نباشد. حالا هم پشیمانم که چرا...
شایان ذکر است به دستور سرگرد محمد ولیان (رئیس کلانتری پنجتن مشهد) این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی فراخوان عمومی شماره ف/۹۸/۴۰۱ شناسایی پیمانکاران
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد نسبت به شناسائی مناقصه گران دارای صلاحیت و آماده همکاری در خصوص انجام خدمات شماره برداری کنتور برق مشترکین (شهری ، روستائی، معابر و زیر ترانس) و وصول مطالبات مشترکین آمپری (شهری و روستائی) اقدام نماید. لذا از متقاضیان دعوت می شود جهت دریافت اسناد از روز چهارشنبه مورخه ۹۸/۰۶/۰۶ به آدرسهای ذیل مراجعه و اسناد تکمیل شده را حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۹۸/۰۶/۱۶ تحویل فرمایند.
۱- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد www.meedc.ir
۲- سایت معاملات توانیر: www.tavanir.org.ir
۳- پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
۴- سایت انجمن صنفی کارفرمائی شرکتهای توزیع: www.edcr.ir
۵- مشهد - بلوار خیام - شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد - اداره خرید خدمات
تلفن ۰۵۱-۳۱۷۰۳۲۴۹
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد
www.meedc.ir

پلی کربنات ۱۰ سال گارانتی و بیمه
پشم شیشه - پشم سنگ
توری مرغی
۰۵۱ ۳۶۶۶۲۵۵۵ - ۰۹۱۵۱۱۶۱۱۵۸

فروش انواع کت و شلوار فاستونی ایرانی
فقط ۱۲۹ هزار تومان
شلوار کتان ۴۹ تومان، تیشرت ۲۹ تومان، مانتو ۶۹ تومان
بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی بزرگمهر ۰۹۱۵۴۷۷۹۳۸۲

آگهی تجدید مناقصه
دانشگاه بجنورد در نظر دارد پروژه‌ی زیر را از طریق انجام تشریفات مناقصه تک مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:
- کارفرما: دانشگاه بجنورد
- آدرس محل پروژه: استان خراسان شمالی، بجنورد، پردیس دانشگاه بجنورد

ردیف	عنوان پروژه	نوبت مناقصه	برآورد تقریبی (میلیون ریال)	رشته و پایه پیمانکار
۱	توسعه و بازسازی جزئی ابنیه و تأسیسات (برقی و مکانیکی) پردیس دانشگاه بجنورد	دوم	۹۳۷۶	حداقل پایه ۵ رشته ابنیه و ۵ تأسیسات

متقاضیان واجد شرایط می توانند از روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۹ ضمن واریز مبلغ ۳۰۰.۰۰۰ ریال به شماره حساب ۲۱۷۸۷۱۱۸۰۴۰۰۶ بانک ملی شعبه مرکزی بجنورد (و شناسه شبا IR650170000000217871180400 6)، با مراجعه به پورتال دانشگاه بجنورد به آدرس https://ub.ac.ir/presidency/construction-management (مدیریت طرح‌های عمرانی) نسبت به اخذ اسناد مناقصه پروژه‌ی فوق، اقدام و پس از تکمیل و ممهور نمودن اسناد، پاکت مربوطه را به همراه فیش واریزی، حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۴ به دبیرخانه مرکزی دانشگاه بجنورد تحویل دهند. بازگشایی پاکت ها متعاقباً اعلام خواهد شد.
لازم به ذکر است پایه‌های پیمانکاران محترم الزاماً بایستی در سامانه نظام فنی و اجرایی کشور ثبت شده باشد و هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه است.
آدرس: استان خراسان شمالی - بجنورد - کیلومتر ٤ جاده اسفراین - دانشگاه بجنورد - دبیرخانه مرکزی
تلفن: ۰۵۸-۳۲۲۰۱۰۰۰ داخلی ۱۲۳۸، ۱۲۳۷ - دورنگار: ۰۵۸-۳۲۴۱۰۷۰۰
روابط عمومی دانشگاه بجنورد

جناب آقای دکتر فرزاد سحرخیز
خانواده محترم سحرخیز
این روزها شاهدیم که از درخت پربار برند سحرخیز که محصول چندین دهه تلاش جمعی شماست، شاخه ی جدیدی جوانه زده است که میوه های آن بزودی کام جوانان این مرز و بوم را به تخصص و تبحر، شیرین خواهد کرد.
تبریک ما را بابت گشایش مرکز علمی کاربردی زعفران سحرخیز پذیرا باشید
محموبه دانشور - محمد ایرجیان